

شرائط اشتراك

ولایات عثمانیه ایچون

سنه لکی ۳۰

آلتی ایانی ۲۰ غروشد

ممالک اجنبیه ایچون سنه لکی ۱۰

التی آیانی ۶ فراقدر

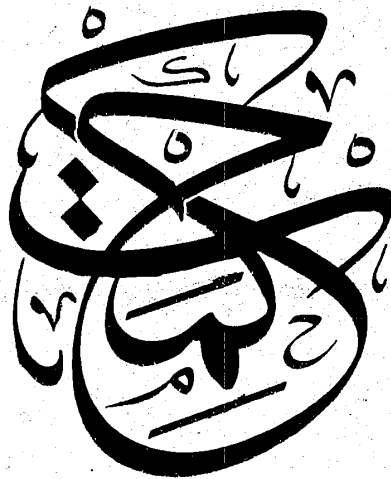
اعلانات ایچون اداره مأموری محمد ذهنی بکه

مراجعت ایملیدر

بولسز مکتوبلر قبول ایدلر

مایس افرنجی ۱۹

۶ مایس ۳۲۶



صاحب امتیازی :

شهبندر زاده فلبلی

احمد حلمی

اداره و تحریر محلی :

جفال اوغلی جاده سنده دائرة مخصوصه ده

مخابرات صاحب امتیاز ایله جریان ایملیدر.

نسخه سی هر پرده

۲۰ باره در .

۱۰ جاذی الاول ۳۲۸

ایستادگی نه به متوقفه ، اجراضه همان توسل ایلملیدر .
پوینچاره خلقی مشروطیت اداره نك فیضندن مستفید
قلملیدر .

الحاصل قتائی اصل احضار وایضا ایدنلرک
جزالاندیرلسندن . بوسورتله افکار عمومیه نك
تطمین ایدلسندن صوکر اوزالرنی نوروضیایه غرق
ایتمک الک بویوک وظیفه حیدر .

شون محمد

ارناودلق اغتاشی

برطام دین واتحاد دشمنلرله اغتال ایدلسن اولان
ارناود قارداشلرمن ، نه قدر ملعون آدملر طرفندن
الدایدلر قریب آرتق آلامغه باشلامشادر . ارناودلری
اغتال ایدن ملعونلرک مقصدی ، ارناودلری جهت
جامعه اسلامدن جویرمک ، مسلمانلر آرمه آریاق
صوفی والک صوکی دیگر وطنداشلر مزده برلکدن
اوزاق قاتق ایچون بهانهلر کوسترمک و : بردینه
سالاک وقارداش اولمالری ضروری ایکن بربرینک
کوزنی چقاران مسلمانلرله هیچ سز برلشه بیایر ،
قارداش اولایلیری سکز ؟ دیمک ایدی .

برمقصدلری ده ارناودلری سائر عثمانلر قیدر بره رق
روم ایلیده عثمانلانی ضعیف براقق ایدی .
الحرامه ارناود قارداشلرمنک قسم اعظمی بو
حقیقتلری آکلامشدر . شیمدیلک ارناودلقدنه شایان
اندیشه بر حال یوقدر . عن قریب برطام ایلسلرک
پوزنه ، قاتلیدر قریب دائره اخوتک بکیدن ودها
قوتلی اولارلق تأسس کرورمکه قریبالرین اولورز .

آتلیکی آتہ زیا

ارناودلق اغتاشی

ارناودلق اغتاشلنده بر جوق اسباب خاطره
کلدیکی حالده هر ناصله آتلیکی آتہ راجعیت یونانیه
اونویلدی . واقعا ارناودلق اغتاشلنده «اجنی یارمنی»
اولدینی سولنمدی دکلده جمعیت یونانیه نك بوایشه
اوینایه بیلدیکی مهم رولی اونوتدق .

سلسله وقوعاتی کوز اوکته کتیرلم : ارناودلق
اغتاشی ، کرید مجلس ملیسنگ عقب اغتاشلنده
انقادی ، کریدک یونانه الحاقسک برکره دها فعلا
اعلانی بوایشه یونان پارلمنت موجودیتی علنا اراه
ایتمکددر .

یونانلر ، عمر ارناودلرک عصای تمکن کور یور -
لردی . عصیان عمومی حالده ایسه دولت عثمانیه
تسکین اغتاش ایچون یوز بیک کشی سوقه مجبور
اوله چقندن یونان حکومتی تورکیا طرفندن اعلان
حرب تمهله کسته معروض اولادن الحاقی اعلان
وقصدیق ایدیه بیکه چکی فرض ایدیلوردی .

یوبله بره نکامده ایسه بالقانلرک الاجنی وضعیت

کسدریله من ایسمده قویا تحمل اولان هر ج وهرج
عمومیدن چیلیر یونان استفاده ایدده چک و قولایچه کریدی
یونانچقدی .

یوبله بر بیلانک وجودی بولغار غننه لرندن بر
قسمتک مطالبات مرارت انکیز یله دخی ثابت اولور .
عثمانللی عمو و اسلامی محکوم ایتمکدن عبارت اولان
یوبله بر بیلانک قسما آلت اولدقلرنی ارناوداغتشاشچیلری
بیلسلر ، غلبان حیت وحس دایته قان اغلایه چقلرینه
امیز ، زیرا بز ، ارناود قارداشلرمنک حیت و ناموس
ملیسندن هیچ بروقت شبهه ایتمک .

مقاله

هنوز ما بنام و شهرت ساده اکتفا میکنیم

ده ماد است یای عالم جدید گذاشته ایم و بد
بخانه هیچ تازکی و تجدید در کارها ملاحظه و مشهور
نمیشود . چرا ؟ زیرا که هنوز بنام و شهرت
تھا اکتفا میکنیم . هنوز بگوید بسیار گفته ، منی
وزارت را در شخص خشک و حالی ، واقعه بینی
میدانیم . جلالت قدر را در بابت گفتن سخن و کوش
نکردن اندرز و پند دوستان وطن میندازیم . دیر
دیر بدر بار باسیم و زود زود قور میکنیم .

وزارت امروزه حکایت عصر ناصرالدین و تجدید
آن روز کار نشکین نیست . مهم مملکت و مقدرات
امت در آبدارخانه رأیت نخواهد شد و بتفتن و تفریح
کوههای مکروه و جبال مسائل مشکله اذیم یای
و میان راه ترقی و تکامل هیئت اجتماعیه پراکنده
و نچل نخواهد گشت .

عصر مزاج و شوخی گذشت . وقت جدیت
و کار کردن رسیده ، زبان خان ملت و روح رنجیده
ایران به پنا و درازی مساحتیکه دارد از هیئت وزرا
کار و کردار میخواهد . آنهم نه بجوایش و طریق
بخشش ، بلکه مدعیانه و بطور آمرانه میخواهد . و باید
خدمت را آشکار کرد و کیفیت را بخاق نشان داد .
بقول مجرد و جمع و خرج زبانی هیچکس متقاعد نمیشود .
و از بازخواست و طلب دست فرا نمیدارد . ازین پس
مند وزارت را بفراغ ایدی و بیع قلمی بکس نمیتوان
داد . و کسی هم نباید آنقسمت منبع را بشرط حیات
در انحصار خود داند . و با کمال بیوقوفی از علوم لازمه
وزارت ، آننصب چایلر از لوازم زندگانی خویش
شمارد .

وزارت خوب است . مایه فخر مباهات است .
اگر یاران ول انکاری نکنند ، حسادت و لغز خوانی
نمایند . آرزو یحیوانان عیب نیست . بنده هم بدم
نمایم . چند صباحی پس از خواب چاشت ، با بلخی
غنچ و عشوه و مقداری ناز و کرشمه ، دست را دم در
منتظر و کروی را پیش رو و پشت سر انداخته بروم
دربار و چیزی از جریان کارهای دنیا ندیده و ندانسته
برای صرف عصرانه چایاری بسوی دولخانه بنایم

ولی خیر ، این طور نیست . وزارت علم و اجتهاد
میخواهد . مهارت و اختصاص لازم دارد . فرض
کنند تمام امور داخلی و خارجی ملتا پیش یافت
جانبش و تقسیم کرده و هر قسمتی را بیکی سپرده اند .
آن یک نفر ازین قرار به بیند چه قدر باید هنرمند
و بخرد باشد که از عهد چنان تکلیف عظیم بشایستگی
در آید . و چون یکی از آنجمع رئیس میشود ، و انتخاب
دیگران را نیز بکردن میکند . از جهتی مسئولیت
وزارت محضه خود را و از جهتی مسئولیت افراد
هئتا تمام بدوش خویش گرفته یعنی وزرو وبال
شخص معنوی حکومت را حامل و تأمین سمادت و
ونیکبختی ملتا متکفل شده است .

آن پهلوانی که یای بچین میدان فراخ گذاشت ؛
وسعت قریحه و نیروی بازو یخه آن لابد است بسر حد کمال باشد
کارکن و فعال باشد . چون خن و خار خشکیده بر زیر
پشته ها و تلالینی اراده و اختیار مردم پوزیدن باوی
و هوب نسیمی بسوی جنوب و شمال متمایل نباشد .
مرد سیاسی شدن کاری سهل و آسان نیست .
ولایت سی کرد رعبت افسانه و باز یخه نیست . باید
انصاف کرد ، مروت نمود ، اگر شایستگی و لیاقت
نیست ، اگر کفایت و اهلیت در خود نمی بینیم ، شرط
الصف و حکومت وجدان باشارت معنوی وزبان ییز
بانی فرمان ازرو و عزلت میدهد . بهتر آنکه کوش
کنیم و بکوشه بشینیم . دیده انتظار خلق در راه
اصلاحات سفیدشد و غوغا آنزیده ها و تمهیدات ندید ،
زبان عمومی مودر آورد . بلا دیکه در زیر بیرق بیگانه
است فریاد زد که اداره نظام را منتظم کنید ، و این
اصول عشرتی را که یادگار قرون اولی است ، بقواعد
تمدن حاضر تبدیل نماید . بخرج کس نفرت و محل
توجه و اعتنای احدی واقع نشد . هنوز کودکان
مراهق و سرتیب های نابالغ در میدان مشق میخراشد
و دست رنج بیوه زنان بلوچستان را بنام موجب
و مستحری میبرد نك است . نك . لااقل باید از
حضور بیگانگان ملاحظه و رعایت نمود . آن دیوار
های بلند که اطراف خود کشیده بودیم سیل شمار تمدن
خراب کرد . حالا اگر انکشت بسوارخ یینی خویش
میبریم و سخنی آهسته نك کوش کس میکنیم ،
مردم پشت و روی زمین مینگرند و بخوبی میشوند
و برای پیشیندی از حسن غلطه . تلفونها ، دوربین ها
و خرده بینها اختراع کرده اند تاسه و اشتباهی روی
ندهد . پس واجب مینماید که حرکات خود را موافق
باطبع زمان کنیم و مطابق با سلیقه وقت رفتار نمایم .
زبان طمن و سوزنن جهانیان را بروی خود بازو
بسوی خویش دراز نمایم .

سیاسون فرنا ، در تردد اند و هنوز بادیده اعتماد
و امنیت بحکومت جدیدی نکرند . باید حضرات را
از حال تردید در آورد ، بدخواهان خارج و دشمنان
داخله در کین نشسته و دنبال فرصت و مجال میگردند .
باید ایشان را به نیروی عقل و تدبیر از تمره هر گونه

راضی نتوانیم شد؛ و با صفا و صفوت قلب آرزو مندیم که وزرای عظام در تمام مجالس ظاهری و معنوی سر بایند باشند و ملت را هم نیکبخت و سرفراز فرمایند. دسایس بدخواهان وطن را سترون و خاک مقدس ایران را از پایدی دشمن پاک و بالوده نمایند؛ و نام هایون خویش را در پیشانی تاریخ دنیا بیادگار گذارند.

علی اصفهانی

برقصه لایق قوعات

کردیم مسئله ای و شکل حاضری — شمالی آرنوادانی احوالی — اناتولی ولایات شرقی سهندی کی اراضی مسئله ای — یمن احوال و اصلاحاتی — مجاس مبولان و اعیان مذاکراتی .

کچن هفتک عثمانلیک و اسلام اعتباری ابله الک بیوک حادثه ای یه کردیم مسئله ای اولی اوزره جریان ایشدر . حادثه الک عثمانلیک اعتباری ابله اولان رابطه قویه و صحیحیه سی محتاج تفصیل دکادر . عثمانلیک بحر سفید حوضه سی اطرافنده تأسیس ابتدکاری حکومت معظله الک ، بحر سفید اچینده براسنادکاه متنبی اولسی لزومه قائل وقانع اولدرلندن طولای بوندن اوج عصره یقین زمان اول یکری بشی سته متنبی حرب ایددرک ، نیجه قیمتی جانلر و نیجه سامانلر صرف ابله الک بوجز برده و تکیلر لندن فتح و استیلایه موفقی اولدرلدر . اوزماندن ايام اخیریه قدر محافظه سی اچون اختیار ابتدکاری کافت و مصرف ایه ، ضبط و تسخیری اچون اختیار اولنان قداکارلرک بوزلرجه متلی فضله در . یومسائی قداکارلرده هم اثر اجداده تیبیت کبی بر خصات برکزیده ، هم اقبال استیبال وطنه عطف محافظه همت کبی بر غیرت بستندیده وار . هر چهته معقول و بشون عالم مدنیچه ، مصدق و مقبول برخصت و غیرت . مسئله الک اسنادیه تعلق ابدن شفته کانجه ، معلوم اولدنی اوزره دولت عثمانیه عین زمانه امانات کبری پیله بری بیده حامل اولدرق حائز خلافت مقدسه اسلامیه بولندنی اچون بشون عالم انسانیک بر رابطه مزوره معنویه ابله مربوط بولندنی بر دولت جلیله در . او حیثیه دولت عثمانیه الک آلام واکداری ویاخود شادمانی و مساری عالم اسلامیه طبیعیه بر انعکاس حاصل الیک مقرر در . علی الخصوص که عالم عثمانی استحصال ابله کی مفروضیت مشروعه ابله نیجه زمانه بازده استبداد قائلان اسانات جلیله اسلامیه احیا و تقیله اورویا بهر مدینت اولان شبراه مساعی مبارک کی اعاده و اعلا طریقنی اختیار ایلدش اولدنی شو صروده بودرلو کشمکشلره معروض قالمی البته خوش کورله سن . آتدن بشقه کردیم مجلس ملیتسک اجتماع اخیزنده کردیم خرسنیا ن مبولنری بر غیظ تعصب ابله مبولنن اسلامیه حقارت جرات ایلدکارندن شو طور حرکت مسئله الک طبیعی اولدرق بام بشقه واورویا دول متدنتسکده قطعاً قبول اتمیه کی بر شکل و ماهیت و بر شددر . مع مافیه مشهور سوز اولدنی اوزره حقارت رد و اعاده اولور . افراد ملت عثمانیه شو طور و حرکت قارشی کال عصیت ابله قیام ایغش و هر طرفده عقد و انقض و حالا اولفته بولنن اولان متدینلر الله کریدی رومله و حتی ایجاب ایدرسه مرفولرک استناد کاهلرینه هر زمان حدلرخی بیله یرمک اچون حاضر و مهیا بولندقلرخی ابراز و اعلان ابلدشار و حالده ابلمکده بولنلدر . معلوم اولدنی اوزره دور حاضر مشروطیتده ملت ابله حکومت آیری غیری شیلر اولدینندن عین زمانه حکومت

بامنتلق است که هیچ عذرو بهانه را کوش نکند و جمله را به بیوقوفی و تأبلی حمل نمایند .

طبیعت و زمان از ما کار می خواهد ؛ تمدن عصر حاضر بما و تلیفه و تکلیف نشان میدهد ؛ مجبور با طاعت و مأثور بموافقت هستیم ، هر که دیر بماند و دست بدست مالده با کمال فروتنی و ذلت از نیجه قهر روزگار تازیانه و بی کردنی میخورد .

یک جمله بسیار مؤثری بخاطر ام آمد نکتته بخو اهم گذشته . بعد از جنگ اخیر روس و عثمانی و انعقاد انجمن صاحب در (بران) هنگام امضای مقررات (برانس بمارک) می بیند نمایندۀ عثمانی خیلی بریشان و دردم است ؛ او را بکناری کشیده آهسته بکوشش میگوید : [دلتکی شما بجا است و بدین قدر تألم و اضطراب حق دارید ، ایات های بزرگ از دستتان می رود ، هر که بجای شما باشند بدین مصیبت سخت محزون و مکرر میشود اما تقصیر با خودتان است ، نیک بدانید و آگاه باشید . جای که در مملکت غرب برای یکو جب زمین مردم بجان یکدیگر میاتند دیگر این حرص مغرط و این مدینت مویب بخراب و بی آب ماندن مملکت شرق رخست و جواز نمیدهد . اگر فکر اعمار در مغز شما هم رادکنند مملکت هائی که باقی مانده برای شما کانیست] .

این کلمات باند او هام و خرافات نیست ؛ از دماغ کسی تراویده که در اواسط عصر نوزدهم سیاست تمام فرنگستان را بقبضه گرفت و مولودا العلوایف جرمن را بیک شاهنشاهی بزرگ متغلب کرد . روی این سخنان بسوی حکومت است خطاب بهی است که انکام ملت را بدست دارد و نباید ساعتی آرام بگیرد و هم نمی تواند کوش خود را از بشدن این آوازهائی مؤثر فرو بندد . خواه و ناخواه باید دعوت و اقامه را اجابت کرد و او امر تمدن را کردن نهاد .

نگارنده را از این بیانات با کسی قصد عرض و اهانت نیست و نسبت به در خزینۀ خاطر یک حس تعظیم و احترام فراوان میورود . ولی اذدر حیرت با کمال افسوس و تأسف میورسد که جهت چیست در مدت دوماه باستانش وزارت عدلیه باقی وزارت خانه ها هیچ تکلیفی بمجاس ملی نموده و تقاضای هیچ تخصیصی نکرده اند . باهمی ایزازی متصل آنارو علائم کار کردن جناب شیرالدوله مشهود میشود . جراید خارجه و داخله اقدامات معزی الیه را منتشر نمائیند ، اما سایر وزارتخانه ها مانند اداره معطل خاموش و بیرون و غندو مثل کسبیه از موجودی خوشنوداست ، اید پیشنهاد قانونی و لوازم اصلاح و ترتیب را بمجلس و کزیدگان مات تقدیم نمیکنند . بر حسب تقسیم اداری هر یک از ان بزرگواران اگر ارزوی غفلت و بامستند بمذری اندک مسامحه و اهال ورزد نزد خدا و خلق و حضور وظیفه و مملکت مسئول است . من بنده با آن دل که ملو از محبت آن هیئت محترمه دارم با اتفاق جمیع وطنخواهان بیغرض هرگز بمسئولیت

شیطنت و حیلت محروم و مأیوس نمود . تمام این توقع ها و مطالبات حق را مات از هیئت وزارت دارد ، شما تبرکواران حسنک وزرای فرنگستانید و در عرض آن آشبارۀ های عالم سیاست واقع شده اید ؛ آنها به ییندجه دستور العملهای عالی برای ترقی و تعالی ملت خود ترتیب میدهند و شما تاکنون یک مسلاک مستقیم و یک سیاست متین برای حکومت تعیین نفرموده اید چشم و همچشمی خوب چیزی است ؛ رقبۀ شما بیوسته مشغولند ، این درو آندر میدوند ، اچجافات خود را میخواستند کسوت حق و انصاف بیوشانند ، حضره های طریق خلاص شمارا میخواهند کود ترکیبند . چه آسوده سه نشسته اید ؛ بکجادل باخته اید ؛ بیروزی طهران و نکونساری فرزندان شیطان نباید موجب نشاط و مایه انبساط دائمی شود . اصل شادمانی و کال خرسندی وقتی است که اقدامادر بار انکلیس و روس را عقم و بی اثر گذارید . با آنها و دیگران خانه خدائی و مالکیت خود را نشان بدهید .

این هیئت وزرا ، یاهر هیاتی که خاف خواهد شد ، و بجای آن خواهد نشست ، بهر قسمی که هست و بهر اعجاز و سحر که میتواند باید در محضر عللیان بگردار و گفتار ثابت و محقق نماید ، که مادشمن نادانی و جهام خرابی و بیجاسی را منکریم ؛ آزادی درهای تجارت و سوداگری را سخت حامی و طرفداریم ؛ تساوی حقوق مال و آسایش عمومی را ، بهر قیمتی که مال شود و بهر زحمتی که صورت کال باید ، نخستین وظیفه و اولین ماده فهرست حکومت خود میدانیم . تا این معانی را با قفل ظاهر نمایند سیاست ثابت بخو اهند داشت ؛ و هیچکس را از دلو ایس بیرون نخو اهند آورد . عزل و نصب معاون ها برای یکو زادت خانه سبب اصلاح و سند لیاقت نمی شود ؛ دیده های کور را چندانکه سرمه بکشید چیزی از نایبانی آنها نمیکاهد .

تنظیمات لشکری پایه ، و شالوده درست میخواهد . ما اگر نمیدانیم نباید منکر شویم . دیگران پس از عصر ها و قرن ها زحمت کشیده و تجربه ها اندوخته اند ؛ تنها چیزی که برای ما باقی مانده همانا زحمت تقلید است . باید همه آن وسایل پیشرفت پساهی را با اندکی تعدیل استنساخ کرده بیاموزیم و لااقل بقدر فراهم آوردن آسایش داخله لشکر دلاور داشته باشیم . اما لشکر ... نه راهزن و هیزم شکن . انهمه ناامنی سمت جنوب و سرقت مال التجاره و یغمای پست دولتی از نبودن سپاه و راهدار است . انهمه فریاد خلق از تعطیل تجارت و نبودن کاروان از فقدان ترتیب لشکری است . باید جواب مسکت داد و حرف مقنع زد . معذرت های مرسوم را مردم داخله شاید محض حفظ ظاهر بپذیرند ، ولی بیکا نکان نکته سنج هیچک ازین هر ج و مرجهارا بسماحت و بزرگواری اغماض نمیکنند ؛ و در وقوع هر قضیه یک کام جلوتر میتایند ؛ و حرفشان آنقدر درست و موافق